



# برای تدارک تربیت باطعمی دلنشین

دکتر علی‌رضا رحیمی

(معلم، نویسنده و تربیت‌پژوه)



## تدارک تربیت

مهم‌ترین وظیفهٔ مربی تدارک تربیت، یعنی ایجاد ارتباط صحیح میان ارکان سه‌گانهٔ تربیت (یادگیرنده-یاددهنده-موقعیت یادگیری) است و این تدارک بی‌شک در شکل‌دهی صحیح به محیط تربیتی (محیطی که امکان و فرصت یادگیری نافع را برای مربی فراهم آورد) تجلی می‌یابد. بنابراین، بزرگ‌ترین توانایی مربی، مدیریت این محیط است و هرچه مربی بر محیط تربیتی اشراف بیشتری داشته باشد، توانا‌تر است و مربی واقعی کسی است که مهیاکننده یا تغییردهندهٔ محیط تربیتی و نه مقهور آن باشد؛ زیرا در آن صورت دیگر مربی قلمداد نمی‌شود.

اساساً نقش مربی ایجاد امکان و فرصتی است که در آن مربی در ابتدا نیاز به تربیت‌شدن را در خود احساس کند و سپس با تلاش خودش به اهداف تربیت دست یابد. در این تعبیر، مربی مهم‌ترین رکن تربیت است، زیرا علاوه بر اینکه باید مربی را در جایگاه تربیت بنشانند و نیاز به آموختن را در وی ایجاد کنند، محیط تربیت را نیز باید خود او بسازد.

## محیط تربیتی

محیط تربیتی محیطی است که مربی به قصد تربیت

را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک رکن تربیت (محیط تربیت) تلقی کرد، بلکه آن را باید امکانی، نه ضرورتاً مکانی؛ برای تلاقی و تعامل تمامی ارکان سه‌گانه تربیت بدانیم. به‌واقع مدرسه می‌تواند فرصتی برای تدارک تربیت (یعنی تلاش برای تلاقی مناسب و صحیح ارکان تربیت) تلقی شود. تعبیر مدرسه و کلاس درس به **فرصت تربیتی** یا **موقعیت تربیتی** می‌تواند معنای تدارک تربیت را به شرایطی بسیار متنوع بسط دهد که منجر به ایجاد امکان تربیت می‌شود. این تعبیر حتی فضاهای آموزشی مجازی را نیز در خود جای می‌دهد. ایجاد مکانی مناسب برای آنکه مربی به‌گونه‌ای غرض‌مند، آزادانه، باراده و با تکیه بر اندیشه، شرایطی را فراهم آورد تا مربی با خواست و کوشش خود، یاد بگیرد.

**«موقعیت تربیتی» معنایی وسیع‌تر از کلاس و مدرسه را در بر دارد. هر وضعیتی که در آن رابطه تربیتی برقرار و یادگیری نافع امکان‌پذیر شود، موقعیت تربیتی به‌شمار می‌آید. بر این اساس، چه‌بسا کلاس‌ها و مدرسه‌هایی که موقعیت تربیتی مناسبی تلقی نمی‌شوند و هر چیزی هستند جز یک مرکز تربیتی! و به‌عکس، چه‌بسا یک برنامه تلویزیونی خوب بتواند یک موقعیت تربیتی عالی تلقی شود.**

### سه اصل اساسی

محیط تربیتی مناسب، محیط فیزیکی و روانی خوشایند و دل‌پذیری است که در آن شادی و نشاط، که خود زاینده‌ی زیبایی است، حرف اول را بزند.

مربی بزرگ روسی **سوخوملینسکی** می‌گوید: «بااهمیت‌ترین چیزی که معلم باید به‌خاطر بسپارد، این است که مدرسه باید همواره برای کودکان و نوجوانان محل شور و شادی باشد.»

وقتی مدرسه مکانی شادی‌بخش و نشاط‌آفرین باشد، قلب دانش‌آموز مالمال از عشق به یادگیری می‌شود و او از بودن در چنین فضایی احساس لذت می‌کند. به همین جهت بود که سوخوملینسکی مدرسه خود را **مدرسه شادی** می‌نامید. او بچه‌های شش‌ساله را مانند سایر دانش‌آموزان به کلاس نمی‌برد، بلکه آن‌ها را به باغ و فضای باز هدایت می‌کرد و بچه‌ها را چنین خطاب می‌کرد: «مدرسه ما فردا در فضای باز، زیر آسمان آبی، روی چمن‌ها، زیر سایه این درخت گلابی، در تاختستان یا در چمن‌زار سرسبز تشکیل می‌شود.»

او با لحنی موقر اعلام می‌کرد: «مدرسه ما اینجا شروع می‌شود. ما از اینجا به آسمان آبی، به باغ، به دهکده و به آفتاب نگاه می‌کنیم.»

او معتقد بود مادامی که کودک طعم کلمات را نچشیده است، آموزش خواندن و نوشتن به او موردی ندارد. شاگردان



آن را شکل می‌دهد یا هدایت می‌کند. تفاوت این تعبیر خاص از محیط با اصطلاح عام آن، در بزرگی و کوچکی یا سطوح و گستره آن نیست، بلکه در هدایت‌پذیرتر بودن و نیز اندیشیده و غرض‌مند بودن آن است. بر این اساس، محیطی که به‌منظور تربیت ایجاد می‌شود، با سایر محیط‌ها در دو ویژگی اساسی تفاوت دارد؛ یکی **ازپیش‌اندیشیده‌بودن** و دیگری **کنترل‌پذیری**.

**قاعدتاً شاخص‌ترین و رسمی‌ترین محیط آموزشی، مدرسه و کلاس درس است که قابل‌کنترل‌ترین محیط تربیتی نیز محسوب می‌شود.** از مربیان همواره انتظار می‌رود با دست‌کاری اندیشیده پارامترهای موجود در کلاس و مدرسه، آن را به بهترین محیط تربیتی برای بچه‌ها بدل کنند. برای مثال، شاید شما نتوانید به‌راحتی محله خود را برای تربیت فرزندان تغییر شکل بدهید، اما معلم با اندیشه و انگیزه می‌تواند محیط کلاس خود را، چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ روانی، به‌گونه‌ای دلخواه تغییر دهد.

### موقعیت تربیتی

کلاس و مدرسه را می‌توان اجتماع کوچکی دانست که با شکل و محتوایی ازپیش‌اندیشیده توسط مربیان اداره می‌شود. این محیط به دلیل شکل و محتوای خاص خود صریح‌ترین کارکردهای تربیتی را بر عهده دارد. به همین جهت مدرسه



**مربی مهم‌ترین رکن تربیت است، زیرا علاوه بر اینکه باید مربی را در جایگاه تربیت بنشانند و نیاز به آموختن را در وی ایجاد کند، محیط تربیت را نیز باید خود او بسازد**



**در محیطی  
نشاط آور و در  
عین حال منضبط  
و پر از ادب و  
احترام است که  
امکان پروردن و  
پروده شدن فراهم  
می آید**

### برای خلق محیط تربیتی مناسب...

اگر مربی (پدر، مادر یا معلم) در تلاش برای ایجاد محیط تربیتی مناسب (اعم از کلاس، مدرسه یا حتی خانه) است، باید اولاً با عشق و محبت به شاگردان، ثانیاً با تفکر و اندیشه، شرایط و محیطی را ایجاد کند که در آن **نشاط، انضباط و ادب** موج بزنند. زیرا فقط در سایه این سه است که می توان به شکل گیری محیطی امن برای تربیت امیدوار بود. جالب این است که هر سه این ها محصول عشق واقعی و علاقه خالص مربی به متربی است؛ چیزی که از خلال رفتارهای مربی (پدر، مادر و معلم) برای متربی (فرزند یا شاگرد) آشکار می شود. مربی می تواند به جای برانگیختن مستقیم استعداد های فکری بچه ها، ذهن شاگردان خود را با ایجاد واکنش های عاطفی تکامل بخشد؛ چیزی که در مدرسه شادی به عنوان **روش پیداکردن عاطفه** در ذهن از آن یاد می شد.

بد نیست ما مربیان، چه در خانه چه در مدرسه، با یکدیگر عهد ببندیم تا سه اصل اساسی **نشاط، انضباط و ادب** را سرلوحه کار تربیتی خود قرار دهیم و از این طریق برای ایجاد محیط تربیتی مناسب برای حفظ، ایجاد یا توسعه بصیرت بکوشیم.

### به سوی آموزش سازنده گرا...

اما این ها همه مقدمه و زمینه تلقی می شوند. معلم در محیطی تربیتی که ایجاد می کند، **تدریس** می کند، و برای تدریس خود کلاس داری می کند و پیش از این دو، به **طراحی فعالیت های یادگیری** می پردازد. آنچه در نهایت اختصار در اینجا باید گفت، این است که هر سه این اقدامات اساسی نیازمند اتکا بر رویکردی هستند که چونان نخ تسبیح پیونددهنده عناصر فعالیت و اقدامات تربیتی معلم باشند. آنچه **رویکرد سازنده گرای** نامیده می شود.

این شماره از مجله رشد مدرسه فردا به معرفی این رویکرد و اثر آن در شکل گیری فعالیت های یادگیری لذت بخش، تدریس اثربخش و کلاس داری فرح بخش بر مبنای رویکرد سازندگرای اختصاص دارد.

پی نوشت

۱. این مطالب از مقدمه زیبای سیمون سولوویچیک بر کتاب «تعلیم و تربیت علمی برای همگان» نوشته سوخوملینسکی (ترجمه رضی خدادادی هیرمندی) از انتشارات آرونین نقل شده است. به خواننده محترم توصیه می شود این کتاب را مطالعه کند. مطالب آن می تواند برای مربی بسیار دلچسب و آموزنده باشد.

مدرسه شادی به چمن زار روشن از پرتو آفتاب خیره می شدند، به وزوز پشه ها و سروصدای جیرجیرک ها گوش می سپردند و آنگاه زیر نقاشی های خود می نوشتند: **چمن زار!** به عقیده من دومین و سومین اصل و شرط تشکیل محیط تربیتی مناسب، برقراری **انضباط و وجود ادب و احترام متقابل** (به ویژه ادب گفتگو و آداب معاشرت) است. در محیطی نشاط آور و در عین حال منضبط و پر از ادب و احترام است که امکان پروردن و پرورده شدن فراهم می آید. انضباط که خود زاینده نظم است، باعث می شود نشاط محیط تربیت نیز پابرجا بماند و بهره مندی عادلانه و برابر همگان از اقدام تربیتی مربی میسر شود.

ادب و احترام متقابل روح هم دلی، نوع دوستی و صمیمیت را تقویت و جو اطمینان را بر محیط تربیت حاکم می کند. آنگاه اگر معلم از مهربانی، لطف و بخشندگی خدا صحبت می کند، دانش آموز آن را با تمام وجود خود حس می کند؛ زیرا طعم مهربانی، لطف و بخشندگی را در سایه احترام و ادب متقابل چشیده است. در واقع، حالت عاطفی صرفاً عاملی مکمل برای سایر جنبه های اساسی آموزش یا یک قلم از فهرست عوامل ضروری برای درس خواندن نیست، بلکه عاملی برای ایجاد علاقه و یگانه راه برای پرورش ذهن کودک و حفظ جادوی کودکی در حین آموزش است.

مربی نمی تواند به قلمرو دل کودکان راه یابد، مگر اینکه هم رضای روانی مؤثری را به لحاظ عاطفی ایجاد کند و هم خود محبوبیت و مقبولیت داشته باشد و هم در میان شاگردانش چنین جوی را به وجود آورد.

**باور نگارنده این است که مهم ترین ویژگی اخلاقی معلم، احترام به انسان است.** احترام شاه کلید تمامی رفتارهای پسندیده با شاگردان و فرزندان و به طور کلی سرمنشأ تمام تعامل های صحیح با جوان ترهاست. این خصیصه بیشتر از آنکه خلق یا خو تلقی شود، یک دیدگاه و نگرش است. روح حاکم بر اندیشه و افکار و نگرشی خاص نسبت به انسان هاست. پس باید گفت، بیش از هر چیز نوعی تلقی انسان شناسانه و حتی هستی شناسانه است. بدین ترتیب، اگر معلم به نوع انسان احترام بگذارد، بی شک معلمی نمونه خواهد بود. یعنی احترام به انسان، تمامی رفتارهای پسندیده یک معلم را در بر می گیرد و معنادار می کند. این نگرش (احترام به انسان) را به طور مشخص می توان در حفظ حرمت (کرامت) و حریت (آزادی) انسان مشاهده کرد. حفظ حرمت و حریت انسان مهم ترین اصل تربیتی است که باید در اندیشه و رفتار معلم مشاهده شود.